

همه امید من، جمله افکار من است
از ازل بوده و هست، شمع شب تار من است
بی‌گناه مصلوب شد، همدم و غمخوار من است
چشم من براه او، خانه او دار من است
جان خود داده و دانم که هوادار من است
خرم آن روز که در باغ برین دار من است
کز همان برکت نان، قوت اشعار من است
آنچنان مست شدم بندگی‌اش کار من است
این همه عشق خداست نی که ز کردار من است
او ببخشد گنهم، محرم اسرار من است

شادم و زنده دلم، پور خدا، یار من است
الف و یای کلام است، بشارت نامش
بره پاک خدا، بار گناهم بگرفت
مسح و سدّ گنهم، مسیح عیسی باشد
او که با درد و آلم، در ره من، روی صلیب
در سراپرده عشق خود، دهد جای به من
پر سر سفره عیسی، تکه نانی خوردم
در سراچشمه او، آب حیات نوشیدم
کرم و فیض الهیست که منم فرزندش
پر در مغفرتش گرز ره توبه روم